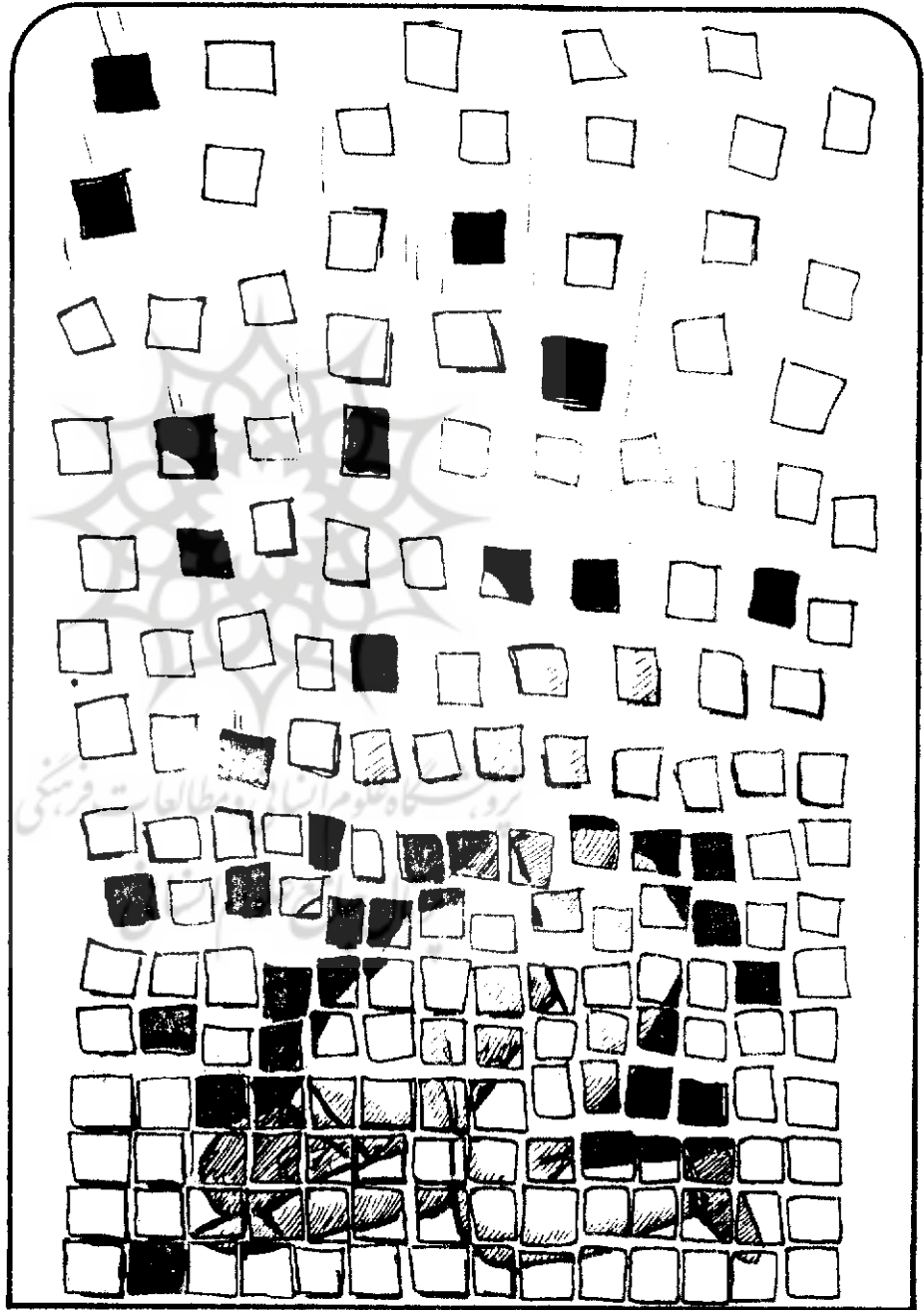


مقدمه:

متنی که هم اکنون از نظر شما خوانندگان عزیز می گذرد اولین قسمت از سخنرانی حضرت آیت الله ساعی، دادستان محترم کل کشور، در جمع جهادگران قم می باشد که نظر به آموزندگی آن و رهنمودهایی که در برداشت، آنرا برای چاپ در مجله انتخاب نمودیم. امید آنکه سخنان این بزرگمردان در اصلاح نفس و جهاد اکیرمان، مفید افتد.

نسخه، از برادران جهاد سازندگی قم بخاطر ارسال نوار این سخنرانی تشکر می شود و امید است که سایر برادران و خواهران جهادگر سر، در صورت در اختیار داشتن مقالات با نوارهای سخنرانی که می تواند برای چاپ در مجله مفید باشد، برای ما فرستند تا بتوانیم مطالب مجله را هر چه بیشتر برقرار نماییم.

هدف از آفرینش انسان



* یک انسان وقتی متخلق به

اخلاق خداوند شد و دیگران با دیدن او خدا را شناختند و با اخلاق او همه افعال خداوند، به بزرگواری و عدل خداوند، به عدل خداوند، به علم خداوند آشنا شدند او خلیفه الله می شود یعنی مردم با دیدن او متوجه رحم، عدل، علم و غضب آفریننده می شوند.

وَمَا خَلَقْنَا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَا

چه زیبا که اولین مجلسان در ماه رجب است، ماه خدا، ماه برکت، ماه رحمت، ماه وفات امام علی النقی، ماه تولد امیرالمؤمنین علی (ع) و جواد الائمه و بلکه ولادت امام علی النقی و شهادت موسی بن جعفر و بیست و هفتم این ماه بعثت رسول الله بوده و بالاتر و بالاتر ماه آغاز حرکت آقا حسین ابی عبدالله (ع) است.

همه شما و ما می دانیم که طبق برداشتمان از قرآن همه چیز برای بشر خلق شده است. این از نظر قرآن قابل انکار نیست. اگر شما اوایل سوره نحل را نگاه کنید. آیات اول این سوره مبارکه گویای این مطلب است. خیلی هم احتیاج به تفسیر ندارد. می گوید: همه چیز (خورشید، ستارگان، زمین، باغها، و مرکبها) برای شما خلق شده است

«وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»
«وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُخْرِجَ...»

از آسمان باران فرستاده تا گیاهان، باغها و کشتزارها پدید بیایند. کشاورزان از مزرعه و دامهایی که دارند لذت ببرند. از این گونه آیات که می گوید همه چیز برای بشر آفریده شده است در قرآن زیاد است. آنچه که من به عنوان آدرس معین می توانم عرض بکنم اوائل سوره نحل است. این مسئله در فرهنگ و ادبیات مانیز بوده است.

ارویاد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی بکف آری و به غفلت نخوری در گلستان سعدی نیز چنین آمده است:

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان بری
البته این «تا توانی به کف آری» با فرهنگ قرآن نمی خواند که حالا من عرض می کنم. اما اصل اینکه «ارویاد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی آری» اصلی مسلم است. نه تا توانی به کف آری. این جور نیست که آنها آفریده شده باشند تا من نانی به کف بیاورم این یک قدری در عمد مادی پیش رفته است والا در بعد عرفانی و حقیقی قصه اینطور نیست. از نظر پیش قرآنی همه اس برای عبادت است. اینکه می بینیم جنایتکارها و خائنین به انسانیت خودشان آدمهارا می کنند. بعد یک دفعه عاطفه شان گل می کند. می گویند ما چرا حیوانات را برای خوردن ذبح بکنیم. زیرا کشتن حیوانات خیلی مطلوب نیست. این گل کردن عاطفه غلط است. آفریننده جهان می گوید من همه چیز را برای تو آفریده ام. حالا این ها عاطفه غلطشان گل کرده. می گویند گوسفند را نمی کشیم. البته در این هم دروغ می گویند. چون وقتی از کشتن انسانها از آن سوال می شود. می گویند آنها گرسنه بودند می آورند. یعنی آنها را می کشد که تنگم خودش سیر بشود. آنجا که پای ریاستش در کار می آید. آنجا که پای



*** آخرین مرحله کمال یک انسان بندگی خداست و بالاتر از آن مرتبه ای برای او متصور نیست. تا انسانی بنده خدا نشود بندگی خداوند نمی رسد چون شهادت مرحلته اولایی است.**

*** بندگی خدا یعنی اینکه خودمان دین ساز نشویم، فکر خودمان را بر قوانین اسلامی تحمیل نکنیم. قوانین اسلامی را در قالب فکرمان نبریم که با قالب فکر خودمان منطبقش کنیم و بعد به خورد جامه بدهیم، این همان مطلب التقاطی می شود**

هوای نفسش در کار می آید از هیچ چیز نمی گذرد. حاضر است دهها هزار نفر را به کشتن بدهد برای اینکه کرسی ریاست و پست و مقامش حفظ شود.

حالا دیگر کسی در دنیا می آید و دروغها را نمی پذیرد. و حالا بچه های ما هم آن دروغها را نمی پذیرند و قبول کرده اند که همه چیز در عالم دروغ است غیر از مسلمانها و اسلام که درست می گویند.
هدف آفرینش انسان:

مطلب دوم اینکه خود انسان با همه عظمتی که دارد برای چی آفریده شده است. از نظر پیش قرآنی شما هیچ موجودی با عظمت تراز یک انسان نمی یابید. برای اینکه وقتی آفریننده جهان انسان را می آفریند به خودش آفرین می گوید. خدای تبارک و تعالی برای خلقت کهکشانشا (کهکشانهایی که میلیونها سال با ما فاصله دارند. کهکشانهایی که غوغاست و عظمت و بزرگی آنها را اصلا ما نمی توانیم بفهمیم که جقدر است) به خودش آفرین نمی گوید. اینجا از فرصت استفاده کنم برای اینکه درباره عظمت کهکشانشا وارد بشویم و یک سلسله روایات هم پیدا کنیم این آدرس را به شما می دهم. شما هم اگر آدرسهای دیگری دارید به دوستانتان بدهید. آقای فلسفی درباره الکرسی درباره اینکه چرا قرآن گفته است که زمین و آسمان شش روزه. هفت روزه آفریده شده بحث مفصلی درباره کیفیت خلقت زمین. آسمان و کهکشانشا دارد آیات قرآن را با علوم روز یک مقدار با هم هماهنگ می کند. کتابهای فراوانی نیز در این مسائل نوشته شده است که می توانید به یکدیگر ارائه بدهید و مطالعه کنید.

«ثُمَّ أَنْشَأَهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

را برای آدم که چشم، گوش، دست و پا دارد نمی گوید. اما وقتی روان انسانی به سر داده شد آنوقت می گوید: آفرین بر خدایکه بشر را آفرید (خودش به خودش آفرین می گوید) در سوره مؤمنون بعد از اینکه صفات مؤمنین را می گوید. بعد می آید سراغ کیفیت خلقت بشر. آنجا که می گوید انسان نطفه بود. علقه شد. مضغه شد. استخوان شد و گوشت شد (اما هنوز خدا به خودش آفرین نمی گوید) وقتی موجود دیگری آفریده شد خلقت دومی آمد یعنی روان انسانی در او دمیده شد آنوقت خدا به خودش آفرین می گوید

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَنَسَسْنَا لَهُمُ الْكُتُبَ»

قرآن می گوید ما انسان را بزرگ داشتیم
بیتیه در صفحه ۶۸

هدف از آفرینش

«ولقد گرمانی آدم» یعنی ما با همه توان و قدرتمان برای کرامت بشر تلاش کردیم. یک وقت کرامت و بزرگی یک انسان را یک انسان می‌خواهد پدید بیاورد، یک وقت کرامت یک انسان را مردم یک شهر یا مردم روی زمین می‌خواهند پدید بیاورند، یک وقت خدا با قدرت فرشتگان می‌خواهد به آدم کرامت بدهد. یک وقت خدای گوید نه، ما با همه قدرتمان (با قدرت ملائکه) در باهامان، دشمنانمان، کهنکسایمان، موجودات زنده‌مان و هر چه بذهن شما نیاید) تلاش کردیم که به آدم کرامت و عظمت بدهیم. با طمی مراتب در آفات قرآن آنجایی که یک چیزی را خدا به عنوان «ما» می‌گوید فری دارد یا آنجایی که با عنوان «من» می‌گوید. آنجایی که با عنوان «ما» می‌گوید، می‌خواهد بگوید که ما همه قدرتهایمان را برای این مطلب بکار گرفتیم.

اینکه در سوره بقره آمده است که بناست انسان خلیفه الله باشد.

«واذ قال ربك انزلنا اية اى جعلنا الارض خلیفة قالوا انجعل فيها من یفسدونها و یسفک الدماء و نحن سیح بحمدک و تقدس لک قال انى اعلم ما لا تعلمون»

او (انسان) بناست دادگر الله باشد، او بناست متخلق به اخلاق خداوند باشد و دیگران با دین او خدا را بشناسند و با اخلاق او به افعال خداوند، به بزرگواریهای خداوند، به عمل خداوند، به غضب خداوند و به علم خداوند آشنا شوند. یک آدم وقتی اینجوری شد می‌شود خلیفه الله، یعنی مردم با دین او متوجه رحم آفریننده‌اش می‌شوند، با دین او متوجه عدل، غضب و علم خدا می‌شوند.

«تخلقوا بأخلاق الله»

این آدمی که می‌گوید «سبحان الله» خدا منزه است، تلاش می‌کند فقط زبانش بگوید بلکه خودش را هم از همه عیوب منزه می‌کند، این می‌شود خلیفه الله، آدمی که خداگونه حرکت می‌کند یعنی در بعد صفات و افعال خداوند و کمالات خداوند، اینها امتیازات بشر است. برای چی؟ «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» فقط برای عبادت و بندگی.

آخرین مرحله کمال یک انسان بندگی خداست و بالاتر از آن مرتبه‌ای برای او متصور نیست، تا انسانی بنده خدا نشود به شهادت نمی‌رسد.

ما نمی‌توانیم بگوئیم یکی شهید شده است اما بنده خدا بوده. انسان تا به آخرین مرحله انسانیت یعنی مرحله عبودیت نرسد، نمی‌تواند به مرحله شهادت برسد چون شهادت مرحله والایی است. شما وقتی قرآن را نگاه کنید در دو آیه اول سوره های اسراء و فرقان دو امتیاز برای پیغمبر ذکر کرده است، یکی معراج دوم اینکه قرآن را برای پیغمبر فرستاده است. اما این دو امتیاز به حساب بندگی‌اش است.

«سبحان الذی أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»
«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»

اینکه می‌بینید پیغمبر، پیغمبر حق شده چون بنده خدا بوده، اینکه می‌بینید پیغمبر امتیاز دارد و معراج امتیاز است چون بنده خدا بوده. آقای... می‌گوید تعلیق حکم به وصف مشکل علیه است اما اینجا بالاتر از شعار است اینجا تقریباً می‌شود گفت دلالت صریح بر غیبت دارد چون بنده است. بندگی یعنی چه و چه جویری بشویم که بنده باشیم؟

بندگی یعنی از خودمان برای دین و مذهب مانده نگذاریم. یعنی چه؟ یعنی خودمان دین ساز نشویم. فکر خودمان را بر قوانین اسلام تحصیل نکنیم، قوانین اسلام را در قالب فکرمان ببریم که با قالب فکرمان متعینش کنیم و بعد به خورد جامعه بدهیم. این همان مطلب التقاطی می‌شود. مادمان می‌خواهد قانون فلان نبوی باشد. مثلاً دلمان می‌خواهد دست دزد قطع نشود، حالا یک کاری بکنیم که قانون مسلم اسلام و قرآن را یک جویری توجیهش بکنیم و برگردانیم به اینکه دست دزد نباید قطع بشود بگوئیم اینکه قرآن گفته دست دزد را باید قطع کنید یعنی جلو فقرش را بگیرد.

«والسارق والسارقة فاقطعوا أیدیہما جزاء بما کسبا»

أبت الله شهید مطهری رضوان الله تعالی علیه در یکی از سخنرانیهای می‌گوید: بعضیها این داستان طبرابابیل را که معنا میکردند می‌گفتند که یک

انقلابی در حجاز انجام گرفت، فشار اقتصادی روی مردم فشار آورد و مردم محروم حرکت کردند و مثل شاهینهایی که به کبوترها حمله می‌کنند، اینها حمله کردند و سرمایه دارها را از پا در آوردند. خوب آدم وقتی توجیه می‌کند اینجوری می‌شود، می‌گوید طبرابابیل و داستان اسحاق فیل نه، بلکه سرمایه دارها جنایت کردند و مردم محروم با شدند و حرکت کردند و آنها را از پا در آوردند.

دادوستد.....

که باید باز زندگی جماعات انبوه و گرسنه را بدوش بکشند.

بدین ترتیب بازرگانی خارجی که لازمه حیات هرملتی میباشد در موقعیت کنونی بصورت وسیله‌ای برای گرفتن حیات ملت های زیرسلطه درآمده و تمام روابط حاکم بر آن برای زیرسلطه کشیدن ملل مستضعف و تاراج نمودن منابع طبیعی آنها پی ریزی شده، حال دیگر سرسخت ترین طرفداران نظریه عام وجهانشمول بودن تقسیم کار بین المللی، قبول دارند که همه مناطق و کشورهای دنیا از توسعه و گسترش مبادلات بین المللی بهره مساوی نبرده اند و تجارت بین المللی در عین حال که بر ثروت و رفاه کشورهای صنعتی افزوده، کشورهای کم رشد را به عدم تعادلی و خیم و مزمن گرفتار ساخته.

در پی بروز این مشکلات در کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۵۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با فشار زیاد کشورهای غیر صنعتی قطعنامه‌ای صادر کرد که قیمت مواد اولیه محصولات کشاورزی باید بر مبنای درست و عادلانه تعیین شود تا امکانات سرمایه گذاری برای رشد اقتصادی کشورهای عقب مانده فراهم آید و بین قیمت محصولات اولیه و محصولات صنعتی در بازار جهانی رابطه‌ای عادلانه پدید آید، این قطعنامه به علت حق و توی معدودی از کشورهای صنعتی در سازمان ملل علی رقم موافقت و پافشاری اکثریت اعضاء کشورهای کم رشد مورد تأیید قرار نگرفت و تجارت بین المللی همچنان بزیان کشورهای کم رشد ادامه یافت، ۱۲ سال بعد وقتی که کنفرانس سازمان ملل درباره رشد و تجارت در ژنو منعقد شد کشورهای زیرسلطه بدون عبرت گرفتن از نتیجه اجلاس پیشین با شرکت در آن کنفرانس امیدوار بودند